

تحلیل راهبردی فرصت و چالش های توسعه همکاری های ایران و ترکیه

۱-مجید شوکتی ، ۲-عمران علیزاده* ، ۳-علی بیژنی

۱- دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران (نویسنده مسئول).

۳- استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<https://pg.um.ac.ir>

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه بر پایه نوعی موازنه شکننده شکل گرفته است که بیش از آنکه مبتنی بر اعتماد راهبردی باشد، بر وابستگی متقابل و اجتناب از هزینه های بالای تقابل استوار است. تداوم و تعمیق این روابط در گرو مدیریت رقابت های ژئوپلیتیکی و امنیتی و بهره برداری مؤثر از ظرفیت های اقتصادی و منطقه ای است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کاربردی در پی پاسخ به این پرسش است که مهم ترین موانع و فرصت های توسعه همکاری های ایران و ترکیه کدامند و بر اساس تحلیل راهبردی، چه گزینه ای برای گسترش تعاملات دو کشور قابل توصیه است؟ حجم نمونه پژوهش شامل ۵۰ نفر از خبرگان و متخصصان حوزه روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای است که بر اساس اشباع نظری و به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده ها از طریق مطالعات کتابخانه ای و پیمایش میدانی گردآوری و برای تحلیل آن ها از مدل SWOT استفاده شد. نتایج تحلیل ماتریس SWOT نشان داد که موقعیت استراتژیک روابط ایران و ترکیه در ناحیه راهبردهای تهاجمی (SO) قرار دارد؛ به این معنا که با اتکا به نقاط قوت داخلی و بهره گیری از فرصت های محیطی، امکان توسعه و تعمیق همکاری های دوجانبه فراهم است. بر این اساس، تمرکز بر مزیت های ژئوپلیتیکی، ظرفیت های اقتصادی مکمل و سازوکارهای همکاری منطقه ای، راهبرد مؤثر برای ارتقای تعاملات دوجانبه ارزیابی می شود.

واژگان کلیدی: روابط دوجانبه، فرصت های همکاری، چالش های ژئوپلیتیکی، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری ترکیه.

مقدمه

در معماری پیچیده و بی ثبات ژئوپلیتیکی غرب آسیا و قفقاز، روابط میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه به مثابه محوری حیاتی و تعیین کننده عمل می کند. این دو قدرت منطقه ای با پیشینه ای تمدنی، وزن جمعیتی قابل توجه، موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز و توانمندی های نظامی و اقتصادی متمایز، به عنوان «دولت های محوری (Pivotal States) نقش مؤثری در معادلات امنیتی، انرژی و ترانزیتی اوراسیا ایفا می کنند (Akbari, ۲۰۲۳: ۱۶۲) اشتراک مرز طولانی، وابستگی متقابل اقتصادی و قرار گرفتن در کانون بحران ها و تحولات منطقه ای، سرنوشت تهران و آنکارا را به گونه ای ساختاری به یکدیگر پیوند زده است؛ به طوری که ثبات یا بی ثباتی در این محور، پیامدهای خود را به سراسر خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و حتی اروپا تسری می دهد (Kamrava, ۲۰۱۸) همکاری یا تعارض این دو بازیگر می تواند مسیر خطوط لوله انرژی، موازنه قدرت در برابر بازیگران فرامنطقه ای، روند مبارزه با تروریسم و حتی وضعیت اقلیت های قومی را به طور عمیق تحت تأثیر قرار دهد. با وجود سابقه تاریخی رقابت و تجربه دوره هایی از تنش، روابط ایران و ترکیه به دلیل الزامات ژئوپلیتیکی و منافع حیاتی مشترک، از چنان اهمیتی برخوردار است که نادیده گرفتن یا تضعیف آن می تواند برای هر دو کشور پرهزینه و حتی مخاطره آمیز باشد. این اهمیت ریشه در مجموعه ای از عوامل ساختاری و موقعیتی دارد که برجسته ترین آن ها عبارتند از: ایفای نقش به عنوان دروازه های ترانزیتی اوراسیا، جایگاه محوری در امنیت انرژی، موقعیت حائل و تعادلی در برابر قدرت های بزرگ و رقبا منطقه ای، و ضرورت مدیریت بحران های مشترک از جمله مسئله کردی، تروریسم و مهاجرت.

تجربه روابط فرانسه و آلمان پس از جنگ جهانی دوم نشان می دهد که حتی میان کشورهایی با سابقه طولانی رقابت و منازعه نیز امکان حرکت به سوی همگرایی وجود دارد. این دو کشور با آغاز همکاری در حوزه های اقتصادی و راهبردی، به ویژه از

طریق تشکیل جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا در سال ۱۹۵۱، توانستند زمینه ایجاد اعتماد متقابل و کاهش رقابت‌های تاریخی را فراهم کنند؛ تجربه‌ای که بعدها به یکی از مهم‌ترین پایه‌های شکل‌گیری اتحادیه اروپا تبدیل شد. هرچند شرایط سیاسی و ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه با اروپا یکسان نیست، اما این تجربه نشان می‌دهد که تمرکز بر منافع مشترک اقتصادی و ایجاد سازوکارهای همکاری تدریجی می‌تواند زمینه مدیریت اختلافات سیاسی و تقویت همگرایی منطقه‌ای را فراهم سازد. از این منظر، بررسی ظرفیت‌ها و موانع روابط ایران و ترکیه، علاوه بر تبیین وضعیت موجود، می‌تواند چارچوبی برای طراحی الگوهای همکاری پایدار در محیط پرتحول غرب آسیا ارائه دهد. ابعاد کلیدی این روابط شامل کریدورهای ترانزیت و انرژی، امنیت منطقه‌ای، موازنه قوا، وابستگی متقابل اقتصادی، امنیت آبی و نقش تثبیت‌کننده در منطقه‌ای بی‌ثبات است (Elik, ۲۰۱۲). با این حال، در پس این همکاری‌های کارکردی، جریان‌های قدرتمندی از رقابت ژئوپلیتیکی، اختلافات ایدئولوژیک و منافع راهبردی متعارض نیز وجود دارد که ظرفیت واگرایی منطقه‌ای میان تهران و آنکارا را افزایش می‌دهد. در کنار ظرفیت‌های همکاری، روابط ایران و ترکیه تحت تأثیر مجموعه‌ای از چالش‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی نیز قرار دارد. رقابت برای افزایش نفوذ در قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و غرب آسیا، تفاوت در رویکردهای دو کشور نسبت به تحولات منطقه‌ای و تلاش برای ایفای نقش مؤثر در نظم منطقه‌ای، در برخی مقاطع موجب تعارض منافع شده است. همچنین، موضوعاتی نظیر پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترش گفتمان‌های هویت‌محور از جمله پان‌ترکیسم، اختلاف دیدگاه‌ها درباره مدیریت منابع آب در حوضه‌های مشترک و نگرانی‌های ناشی از تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیکی پس از تحولات قفقاز، از جمله متغیرهایی هستند که بر محاسبات امنیتی و راهبردی دو کشور اثرگذار بوده و روابط تهران و آنکارا را در وضعیتی از همکاری و رقابت هم‌زمان قرار داده‌اند. از این رو، تحلیل روابط ایران و ترکیه مستلزم توجه هم‌زمان به ظرفیت‌های همکاری و عوامل بازدارنده و تهدیدهای ژئوپلیتیکی است. از منظر امنیت ملی ایران، تحولات مرتبط با کریدورهای ارتباطی قفقاز، رقابت بر سر مسیرهای انتقال انرژی، سیاست‌های هویتی در پیرامون مرزهای شمال‌غربی و مدیریت منابع آب فرامرزی، از مهم‌ترین موضوعاتی هستند که در ارزیابی راهبردی روابط با ترکیه باید مورد توجه قرار گیرند.

بر این اساس، پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. استراتژی حاکم بر روابط ایران و ترکیه در شرایط کنونی چیست؟
۲. مهم‌ترین موانع در مسیر همگرایی و توسعه همکاری‌های میان دو کشور کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده و از حیث هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد؛ زیرا با تکیه بر یافته‌های نظری روابط بین‌الملل، در پی ارائه راهکارهای عملی برای بهبود سیاست‌ها و سازوکارهای تعامل میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه است. از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، این پژوهش با بهره‌گیری از **تکنیک دلفی** انجام شده است؛ روشی که برای دستیابی به اجماع نظری میان گروهی از خبرگان در شرایط عدم قطعیت و پیچیدگی موضوع، کاربرد گسترده‌ای در مطالعات راهبردی و آینده‌پژوهی دارد. فرآیند اجرای روش دلفی در این پژوهش طی سه مرحله صورت گرفت: در **مرحله نخست**، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی پیشینه پژوهش، فهرست اولیه‌ای از عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) مؤثر بر روابط ایران و ترکیه استخراج شد. در **مرحله دوم**، این فهرست در قالب پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته در اختیار پانل خبرگان قرار گرفت تا میزان اهمیت و اولویت هر عامل را بر اساس طیف لیکرت ارزیابی کنند. در **مرحله سوم**، نتایج جمع‌بندی و بازخورد گروهی (بدون افشای هویت پاسخ‌دهندگان) به اعضای پانل بازگردانده شد تا در صورت لزوم، نظرات خود را بازبینی کنند؛ این چرخه تا حصول همگرایی و اجماع نسبی در دیدگاه‌ها (اشباع نظری) تکرار شد. جامعه آماری پژوهش را اساتید دانشگاه، صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه‌های علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل با تجربه و تخصص در حوزه مطالعات ایران و ترکیه تشکیل می‌دهند. با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش و استفاده از روش دلفی، تعیین حجم نمونه بر اساس روش‌های احتمالی نظیر فرمول کوکران انجام نشد؛ زیرا هدف پژوهش، تعمیم نتایج به یک جامعه آماری بزرگ نبود، بلکه بهره‌گیری از قضاوت‌های تخصصی خبرگان برای شناسایی و اولویت‌بندی عوامل راهبردی بود. از این رو،

نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند^۱ انجام شد و ۵۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی آشنا با موضوع روابط ایران و ترکیه و برنامه‌ریزی راهبردی در پانل دلفی مشارکت کردند. انتخاب این تعداد با توجه به تنوع تخصصی خبرگان، پیچیدگی موضوع پژوهش و توصیه‌های رایج در مطالعات دلفی صورت گرفت. همچنین، پژوهش در سه دور دلفی اجرا شد و پس از دور سوم، با تثبیت دیدگاه‌ها و عدم شناسایی مؤلفه‌های جدید، اشباع نظری و اجماع نسبی میان خبرگان حاصل شد؛ از این‌رو، تعداد ۵۰ نفر برای دستیابی به نتایج معتبر و قابل اتکا کافی تشخیص داده شد. داده‌های گردآوری‌شده از طریق پانل خبرگان، در چارچوب مدل تحلیلی SWOT طبقه‌بندی و با استفاده از ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و ارزیابی عوامل خارجی (EFE) وزن‌دهی و نمره‌گذاری شدند. در این فرآیند، به هر یک از عوامل شناسایی‌شده وزنی میان صفر (بی‌اهمیت) تا یک (بسیار مهم) و نمره‌ای از یک تا چهار (بر اساس شدت تأثیر) اختصاص یافت تا موقعیت راهبردی روابط دو کشور بر مبنای ماتریس داخلی-خارجی (IE Matrix) تعیین شود.

مبانی نظری

روابط بین‌الملل به مجموعه اقدامات و کنش‌های متقابل واحدهای حکومتی، نهادهای غیردولتی و روندهای سیاسی میان ملت‌ها اشاره دارد که تحت تأثیر عوامل متعدد بین‌المللی شکل می‌گیرد. (Ahmadi et al, ۲۰۱۹) در همین چارچوب، سیاست خارجی به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که شامل تنظیم، اجرا و نتیجه تصمیماتی است که دولت‌ها برای پیشبرد اهداف خود در تعامل با بازیگران حکومتی و غیرحکومتی در فراسوی مرزها اتخاذ می‌کنند (Qavam, ۲۰۰۷: ۳۶) از سوی دیگر، تحول ژئوپلیتیکی ناظر بر تغییر و دگرگونی در الگوها، نظم‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی است؛ پدیده‌ای پویا که عمدتاً ناشی از تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و کارکرد عوامل مؤثر بر قدرت ملی و جمعی فضاهای جغرافیایی است. ارزیابی راهبردی روابط ایران و ترکیه، به‌عنوان دو قدرت همسایه در غرب آسیا، مستلزم اتکا بر چارچوب‌های نظری جامع در روابط بین‌الملل است؛ چرا که این روابط ماهیتی پیچیده و چندوجهی دارد و عناصری از همکاری، رقابت و تنش را در سطوح ژئوپلیتیکی، امنیتی، اقتصادی و انرژی در بر می‌گیرد. در این پژوهش، دو نظریه واقع‌گرایی ساختاری و سازه‌انگاری به‌عنوان چارچوب تحلیلی اصلی برگزیده شده‌اند؛ زیرا نظریه نخست توان تبیین بُعد مادی و قدرت‌محور روابط (رقابت ژئوپلیتیکی، موازنه قوا) را دارد و نظریه دوم، بُعد هویتی و گفتمانی (اختلافات ایدئولوژیک، نقش هنجارها) این روابط را پوشش می‌دهد؛ ترکیبی که برای تحلیل پدیده‌ای دوگانه مانند «رقابت همکارانه» ایران و ترکیه ضروری است.

۱-۱. نظریه واقع‌گرایی ساختاری

محور روابط ایران و ترکیه را می‌توان از منظر واقع‌گرایی ساختاری بررسی کرد. این نظریه، مدلی کلیدی در روابط بین‌الملل است که کنت والتز در کتاب مشهور خود، «نظریه سیاست بین‌الملل» (۱۹۷۹)، بنا نهاد. این نظریه با تمرکز بر ساختار نظام بین‌الملل به‌جای ویژگی‌های داخلی دولت‌ها، تحلیلی سیستماتیک از رفتار دولت‌ها ارائه می‌دهد (Waltz, ۱۹۷۹) والتز ساختار نظام بین‌الملل را شامل سه مؤلفه کلیدی می‌داند:

نخست، اصل سامان‌دهنده^۲، که در آن آنارشی بر نظام بین‌الملل حاکم است و برخلاف سلسله‌مراتب در نظام‌های داخلی عمل می‌کند. دوم، ویژگی واحدها^۳، به این معنا که دولت‌ها وظایفی مشابه ایفا می‌کنند از جمله حفظ بقا، تأمین امنیت و اعمال حاکمیت صرف‌نظر از تفاوت‌های داخلی موجود؛ مفهومی که با عنوان هم‌انگاری^۴ نیز شناخته می‌شود. سوم، توزیع توانمندی‌ها^۵، که به قدرت نسبی دولت‌ها در ابعاد نظامی، اقتصادی و تکنولوژیک اشاره دارد و در شکل‌گیری نظام‌های تک‌قطبی، دوقطبی یا چندقطبی نقش تعیین‌کننده دارد. این چارچوب نظری برای تحلیل روابط ایران و ترکیه اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا غرب آسیا به‌عنوان یکی از کانون‌های بحرانی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بستری است که در آن موازنه قدرت نقش محوری در تداوم تنش‌ها و همکاری‌ها میان کشورهای منطقه ایفا می‌کند. ایران و ترکیه

^۱ Purposive Sampling

^۲ Organizing Principle

^۳ Character of Units

^۴ Like-units

^۵ Distribution of Capabilities

به‌عنوان دو بازیگر اصلی، با ادراک متقابل از تهدیدات نظیر مسئله کردی، رقابت نفوذ منطقه‌ای و اختلافات ایدئولوژیک رفتار راهبردی خود را شکل داده‌اند. در این میان، **قدرت سخت** جایگاه ویژه‌ای دارد؛ عوامل نظامی-امنیتی نظیر مرزها، گروه‌های شبه‌نظامی و توان موشکی، در کنار عوامل ژئوپلیتیکی همچون دسترسی به منابع و موقعیت استراتژیک، نقش محوری در درک رفتار راهبردی این دو کشور ایفا می‌کنند.

۲-۱. نظریه سازه‌انگاری

نظریه سازه‌انگاری یکی از رویکردهای مهم در مطالعات روابط بین‌الملل است که بر نقش ساختارهای اجتماعی، هویتی و فرهنگی در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها تأکید دارد. این نظریه عمدتاً در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ توسط اندیشمندانی چون الکس ونت^۷ و پیتر کاتزنشتاین^۸ توسعه یافت. بر خلاف رویکردهای واقع‌گرا و لیبرال که عمدتاً به عوامل مادی (قدرت نظامی و اقتصادی) توجه دارند، سازه‌انگاری معتقد است واقعیت‌های بین‌المللی به‌صورت فعال توسط بازیگران ساخته و بازتعریف می‌شوند و عوامل غیرمادی نظیر فرهنگ، ایدئولوژی، هنجارها و قدرت نرم^۹ نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به منافع و رفتار دولت‌ها دارند. این چارچوب نظری، چهار بُعد کلیدی را در تحلیل روابط ایران و ترکیه روشن می‌سازد:

نخست، تأثیر هویت‌های متمایز: ایران و ترکیه دارای هویت‌های سیاسی و فرهنگی متفاوتی هستند؛ هویت اسلامی شیعی ایران در مقابل سکولاریسم ترکی و رویکرد اسلام‌گرایی اخوانی ترکیه قرار می‌گیرد. دوم، **نقش گفتمان‌های سیاسی:** گفتمان‌های سیاسی هر کشور تأثیر قابل‌توجهی بر تصویرسازی متقابل دارند؛ گفتمان مقاومت در ایران در پی تقویت هویت ملی و ضداستعماری است، در حالی که ترکیه تحت تأثیر گفتمان نوع‌ثانی‌گری برای افزایش نفوذ منطقه‌ای قرار دارد. سوم، **اهمیت هنجارهای منطقه‌ای:** ایران در پی نظامی مبتنی بر مقاومت و مقابله با تهدیدات منطقه‌ای است، حال آنکه ترکیه نظامی مبتنی بر نفوذ اقتصادی و نرم را ترجیح می‌دهد. چهارم، **شکل‌گیری هنجارهای تعاملی خاص:** تجربیات تاریخی و تعاملات مداوم دو کشور به شکل‌گیری هنجارهای تعاملی ویژه در حوزه‌هایی مانند مبادلات مرزی، تجارت و انرژی منجر شده که می‌تواند زمینه‌ساز گفتگو در حوزه‌های دیگر نیز باشد. همچنین در زمینه بررسی و تبیین و تعاملات ایران با ترکیه پژوهش‌های متعددی در ایران انجام گرفته است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره نمود: سلطانی نژاد (۱۴۰۰)، گفتمان نو عثمانی‌گری در سیاست خارجی ترکیه و تأثیر آن بر روابط با جمهوری اسلامی ایران، به بررسی گفتمان نو عثمانی‌گری فعال در سیاست خارجی ترکیه و اثرات آن بر روابط با ایران می‌پردازد. در این مقاله استدلال شده است که این گفتمان، با تأکید بر بازبانی نفوذ تاریخی در مناطق همجوار نظیر بالکان و قفقاز، موجب افزایش رقابت ژئوپلیتیک با ایران در مناطق کلیدی مانند سوریه و عراق شده است. این رقابت‌ها، همکاری‌های دوجانبه را تحت تأثیر قرار داده و در سایه عملکرد آن قرار گرفته است. باقری دولت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر روابط تجاری ایران و ترکیه"، این محققان به تحلیل اثرات تحریم‌ها بر حجم تجارت دوجانبه میان ایران و ترکیه پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تحریم‌ها به طور چشمگیری حجم صادرات غیرنفتی ایران به ترکیه را کاهش داده است. با این حال، وابستگی متقابل در برخی حوزه‌ها، به ویژه در زمینه مرادات مرزی و کالاهای اساسی، و همچنین وجود سازوکارهای غیررسمی، تداوم نسبی روابط تجاری را ممکن ساخته است. در نهایت، این پژوهش بر آسیب‌پذیری روابط اقتصادی در برابر فشارهای خارجی تأکید می‌کند.

اوزتورک^{۱۰} (۲۰۲۰) در پژوهش خود تحت عنوان "اقتصاد سیاسی روابط ترکیه و ایران: تجارت، انرژی، و تحریم‌ها"، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که علی‌رغم افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیکی، پیوندهای اقتصادی قوی و شبکه‌های تجاری در مرزها به عنوان عاملی بازدارنده در برابر تنش‌های شدید عمل کرده‌اند. با این حال، تحریم‌ها به‌طور قابل‌توجهی پتانسیل

^۶ Constructivism

^۷ Alexander Wendt

^۸ Peter Katzenstein

^۹ Soft Power

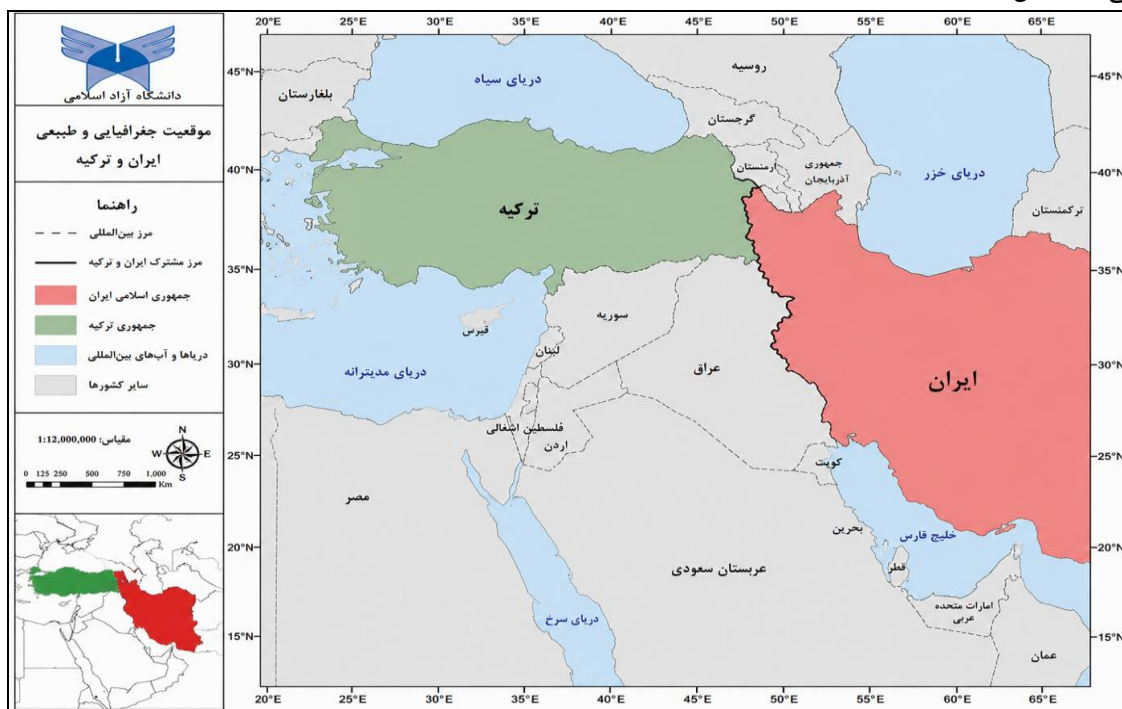
^{۱۰} Öztürk

همکاری اقتصادی را محدود کرده و وابستگی متقابل را نامتقارن تر ساخته‌اند. آلم و اوزگور^{۱۱} (۲۰۲۰)، این مقاله به تحلیل رقابت و همکاری ایران و ترکیه در مناطق قفقاز و آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که ترکیه با استفاده از پیوندهای زبانی-فرهنگی (ترک‌تباران) و نفوذ نرم (سازمان همکاری‌های ترک‌زبانان) و ایران با استفاده از مزیت جغرافیایی و پیوندهای تاریخی، در حال رقابت برای نفوذ هستند. همکاری در حوزه‌های انرژی و ترانزیت وجود دارد، اما رقابت بر سر شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای غالب است.

یافته‌های تحقیق

۱. نقش عوامل ژئوپلیتیکی در روابط دو کشور ایران و ترکیه

ترکیه کشوری اوراسیایی است که بخش عمده آن، یعنی شبه‌جزیره آناتولی، در جنوب غرب آسیا و خاورمیانه واقع شده و بخش کوچکی از کشور، شبه‌جزیره تراس، در جنوب شرق اروپا قرار دارد. این موقعیت ژئوپلیتیک اوراسیا-خاورمیانه‌ای، ترکیه را در تقاطع مسیرهای ترانزیتی و خطوط انرژی قرار داده و آن را به یک بازیگر کلیدی در امنیت انرژی و تجارت منطقه‌ای تبدیل می‌کند. تنوع جغرافیایی و آب‌وهوایی ترکیه نیز بر استراتژی‌های ژئوپلیتیک کشور تأثیرگذار است. نواحی ساحلی دریای مدیترانه و اژه با آب‌وهوای گرم و خشک تابستانی و بارانی زمستانی، ظرفیت کشاورزی و اقتصادی ویژه‌ای فراهم می‌کنند و به توسعه تجارت دریایی و بندرهای تجاری کمک می‌کنند. در مقابل، ارتفاعات و نواحی کوهستانی شرق کشور، از جمله کوه آرارات، نه تنها به عنوان مرز طبیعی با ایران و کشورهای همسایه عمل می‌کنند بلکه موقعیت‌های استراتژیک برای دفاع و کنترل مسیرهای زمینی فراهم می‌آورند. تفاوت‌های اقلیمی و ارتفاعی میان غرب و شرق ترکیه، موجب شکل‌گیری الگوهای جمعیتی، اقتصادی و نظامی متفاوت شده و در سیاست خارجی ترکیه بازتاب می‌یابد. به عنوان نمونه، مناطق غربی و ساحلی با دسترسی آسان به دریای مدیترانه و اروپا، محور تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک ترکیه با اتحادیه اروپا و دریای سیاه هستند، در حالی که شرق کشور، به دلیل مجاورت با ایران و قفقاز و سختی زمین، برای امنیت مرزی و کنترل مسیرهای ترانزیتی و خطوط انرژی اهمیت دارد. در نتیجه، ویژگی‌های جغرافیایی و آب‌وهوایی ترکیه نه تنها بر توزیع جمعیت و اقتصاد داخلی اثرگذار است، بلکه با شکل‌دهی به مرزها، مسیرهای انرژی و نقاط حساس امنیتی، یک نقش تعیین‌کننده در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای و تعاملات ایران-ترکیه ایفا می‌کند (شکل ۱).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی و طبقه بندی اقلیمی کشور ترکیه، ماخذ: (mappery.com)

۲. تحلیل رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه

۱.۲. رقابت‌های دو کشور ایران و ترکیه در سوریه

سال‌هاست که کشور ترکیه با روابطی شکننده با سوریه مواجه است. سوریه و ترکیه بر سر موضوعات مختلف، از جمله فعالیت‌های سیاسی کردها در سازمان پ.ک.ک، نحوه تقسیم آب فرات و همچنین استان اسکندرون، دارای اختلافات عمیقی هستند. از سوی دیگر، ترکیه در سوریه به دنبال ایجاد دولتی با رویکرد و دیدگاه سنی و اخوانی است. حزبی که در ترکیه قدرت را به دست گرفته، به لحاظ اندیشه‌ای و نگرشی از گروه‌های اخوانی جریانات سیاسی اهل سنت محسوب می‌شود (Özkan, 2019, 8). حماس در فلسطین، اخوان در مصر و حزب عدالت و توسعه در ترکیه به عنوان شاخه‌های اخوانی در این کشورها فعالیت می‌کنند. در این راستا، رجب طیب اردوغان، محمد مرسی، و خالد مشعل تحت عنوان سه شخصیت مهم و اصلی جریان اخوانی در منطقه غرب آسیا در برهه‌ای از تاریخ روابط نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند. این موضع نشان می‌دهد که ترکیه برای تبدیل خود به یک قدرت منطقه‌ای، در پی ایجاد کشورهایی هم‌جهت با اهداف، منافع و برنامه‌های خود در منطقه است. با آغاز بحران سوریه، ترکیه تلاش کرده است تا از گروه‌های تروریستی و افراط‌گرای سوریه، از جمله داعش، حمایت می‌کرد (Parlar Dal, 2016). پس از این‌که داعش به عنوان گروهی تروریستی در عرصه جهانی مطرح شد، ترکیه در برخورد با این موضوع ترجیح داد مواضع رسمی خود را تغییر دهد. ترکیه حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه دارد. نزدیکی جغرافیایی و قرار داشتن ترکیه در مرکز بحران سوریه به دلیل هجوم ۳۶۰۰۰ آواره سوری به این کشور و تهدید مرزهای ترکیه از سوی سوریه، همچنین به خاطر حجم بالای آتش‌بس و تبادل، بسیار حائز اهمیت است (park, 2023). تغییر و تحولات در سوریه به طور مستقیم منافع و امنیت ملی ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. تحریک مخالفان این کشور، از جمله کردها، توسط سوریه، بحران‌های بسیاری را برای امنیت ترکیه به وجود آورده است. این، تلاش‌های چندین ساله ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا نیز به چالش کشیده شده است؛ چرا که وجود بحران در مرزهای ترکیه به منزله پیدایش بحران در مرزهای اتحادیه اروپا نیز محسوب می‌شود (Has, 2022). از این رو، اتحادیه اروپا که از گذشته با خوش‌بینی نسبت به مسئله امنیت در ترکیه برخورد می‌کرد، اکنون ورود ترکیه به این اتحادیه را مشروط به برقراری آرامش و امنیت در مرزهای خود می‌داند. در این میان، ایران به دلیل عدم مواجهه با چنین معضلات و کشمکش‌هایی، با آسودگی خاطر بیشتری به بحران سوریه توجه دارد. همین تفاوت در میزان تأثیرپذیری دو کشور از بحران سوریه موجب بروز کشمکش و تقابل بین آن‌ها شده است. عدم درک این تفاوت‌ها و همچنین تفاوت در نگرش‌ها، به عبارتی دیگر، فقدان یک نگاه واقع‌بینانه به تأثیر بحران سوریه، موجب تقابل و کشمکش میان دو کشور شده است. در نتیجه، تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب مواضع دیپلماتیک سیاست‌مداران دو کشور تحت تأثیر این بحران قرار خواهد گرفت.

۲.۲. رقابت‌های دو کشور ایران و ترکیه در عراق

کشور ترکیه همواره به عنوان یکی از کشورهایی است که تبعات سرنگونی صدام حسین در عراق را نپذیرفته و با مطرح کردن ادبیات مرتبط با دولت جامع در این کشور، به طور عملی نشان داده است که نتایج انتخابات و برتری عددی به نفع شیعیان تحت نفوذ ایران را نپذیرفته است (Dawood, 2022). با وجود این، در سال ۲۰۰۸ آنکارا و دولت نخست‌وزیری نوری مالکی برای ایجاد شورای عالی همکاری راهبردی و گسترش تجارت دوجانبه و گفت‌وگوی سیاسی میان دو پایتخت به توافق رسیدند. اما مشکلات در سال ۲۰۱۰ و به دنبال انتخابات مجلس عراق و تعیین نخست‌وزیری جدید بالا گرفت. در واقع، این موضوع جرقه‌ای در تغییر نگاه ترکیه به ایران بود (Okuduci, 2021, 34). در این انتخابات، اولویت ترکیه حمایت از ائتلاف عراقی به رهبری ایاد علاوی بود، در حالی که ایران از ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی پشتیبانی می‌کرد. دوباره به نخست‌وزیری رسیدن نوری مالکی، موجب بروز نزاع تازه‌ای میان ایران و ترکیه در تحولات عراق شد و روابط بغداد-آنکارا را نیز متشنج نمود.

پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق در دسامبر ۲۰۱۱، عملیات بعشی‌زدایی در بغداد شدت گرفت و افرادی مانند صالح المطلق و رفیع العیسوی، که مواضع نزدیکی به ترکیه داشتند، خلع سلاح شدند. در این میان، دولت مرکزی عراق، طارق الهاشمی، معاون رئیس‌جمهوری جلال طالبانی، را به اتهام بمب‌گذاری و دست داشتن در اقدام‌های تروریستی تحت تعقیب قرار داد و او به ترکیه پناهنده شد (Katzman & Humud, ۲۰۱۶, ۳۲). این موضوع موجب افزایش تنش‌های شیعه-سنی بین دو کشور شد و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، ایران را به حمایت از بغداد و نوری مالکی را به فرقه‌گرایی و تبعیض نسبت به اهل سنت عراق متهم کرد.

از سال ۲۰۱۰ به دلیل ادامه یافتن جنگ داخلی در عراق و سوریه و قدرت‌گرفتن داعش در سال ۲۰۱۴، تهدیدهای زیادی علیه شیعیان و نیز شیعه‌هراسی در ترکیه به‌طور فزاینده‌ای به وجود آمد، اگرچه این عامل به اندازه اختلافات در دوره عثمانی نبوده است. با این حال، طی سال‌های اخیر، برنامه‌ها و تبلیغات وسیعی در این کشور به منظور ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی و همچنین فارس و ترک و کوشش برای افزایش نفرت نسبت به کشور ایران صورت گرفته است (Al Mohammad, ۲۰۲۴). علاوه بر این موضوع، بازتولید هویت‌گرایی رقابتی بین تهران و آنکارا در کشور عراق موضوعیت قابل توجهی یافته است و از عواقب آن می‌توان به ایجاد زمینه برای ظهور و تشکیل الگوهای از تعارضات رقابتی در دستور کار سیاست‌مداران اشاره نمود (Kumral, ۲۰۱۶, ۳۵). نکته مهم در این زمینه، بازگشت اهمیت عراق در روابط و تعاملات دو جانبه و منطقه‌ای تهران-آنکارا است که از جایگاه و موقعیت بسیار مهمی برخوردار شده است.

۳.۲. رقابت در زمینه دفاع مقابله با اهداف رژیم صهیونیستی

کشور ترکیه خود را به‌عنوان یک حامی مهم و دقیق در منطقه می‌داند. ترکیه به‌عنوان مدافع این منطقه، باید به‌طور قابل توجهی از هویت فلسطینی دفاع کند. همچنین، این کشور به‌عنوان الگوی موفق در میان مسلمانان، قادر است از طریق حمایت از فلسطین، محبوبیت قابل توجهی کسب کند (Green-Pedersen, ۲۰۱۹, ۱۳). در این راستا، نگرش ضداسرائیلی نیز می‌تواند به‌عنوان یک مزیت برای ترکیه محسوب شود. حماس، به‌عنوان یکی از محوری‌ترین ارکان، از اهمیت نمادین برخوردار است و ترکیه می‌تواند با استفاده از آن، در رقابت منطقه‌ای با ایران نفوذ خود را گسترش دهد. داشتن یک گفتمان برای حمایت از فلسطین و مواجهه با ظلم و ستم اسرائیل به‌عنوان یکی از ضرورت‌ها برای رهبری در جهان اسلام تلقی می‌شود (Bachtiar et al, ۲۰۲۱, ۱۴).

بنابراین، نقش «حامی فلسطین» ایران در دهه‌های اخیر تحت فشار قرار گرفته و ترکیه در تلاش است تا با کنترل بر حماس، این نقش را به‌طور منحصر به فرد در اختیار خود قرار دهد. این رویکرد منجر به بروز رقابت گسترده‌تری میان ایران و ترکیه شده است. یکی از نمودهای این مسئله در اساس‌نامه جدید حماس قابل مشاهده است. در این اساس‌نامه، حماس اعلام کرده که این گروه به‌عنوان یک نیروی انقلابی و مداخله‌گر عمل نمی‌کند، در حالی که موجودیت اسرائیل را نپذیرفته و خواستار تشکیل دولت در چارچوب مرزهای ۱۹۶۷ است. به‌طور کلی، می‌توان بیان کرد که در دوره حزب عدالت و توسعه، ترکیه قصد هم‌کاری و هماهنگی با ایران در ماجرای فلسطین را ندارد و به دنبال این است که به‌عنوان جایگزین ایران در رهبری حمایت از فلسطین عمل کند و خود را به‌عنوان رهبر "محور مقاومت سنی" معرفی نماید (Green-Pedersen, ۲۰۱۹, ۱۵).

در نهایت، اختلافات ترکیه و ایران در مورد حماس و فلسطین به‌عنوان یک مصداق قابل توجه از نقش مدافع جهان اسلام، به‌وضوح نشان‌دهنده تلاش هر دو کشور برای در اختیار گرفتن این نقش به‌صورت منحصر به فرد است.

۴.۲. تعارضات بر سر گسترش حوزه نفوذ

خلیج فارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ژئوپلیتیکی ایران پس از کشور عراق محسوب می‌شود. ترکیه از سال ۲۰۰۸ با امضای پیمان راهبردی سیاسی، اقتصادی و امنیتی با شورای همکاری خلیج فارس، ورود خود به این

حوزه را رسمیت بخشید. از سوی دیگر، نگرش جمهوری اسلامی ایران نسبت به این پیمان، نشان‌دهنده تمایل شورای همکاری به ایجاد نوعی توازن راهبردی با هدف مقابله و کنترل ایران در منطقه است. این امر سبب شده تا ایران نسبت به اقدامات و عملکرد ترکیه در خلیج فارس نگران گردد. نگرانی تهران در این باره منطقی به نظر می‌رسد، زیرا از دیدگاه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، همکاری راهبردی با ترکیه می‌تواند به تعادل قدرت ایران کمک کند. برای دستیابی به این هدف راهبردی، کشورهای عربی حاضر در منطقه خلیج فارس، عضویت ترکیه را به‌عنوان یک عضو ناظر در اتحادیه عرب و حمایت از تلاش‌های این کشور در راستای میانجیگری بین سوریه و اسرائیل و تقویت همکاری با ناتو مورد توجه قرار داده‌اند (Abdi et al, 2021, 26). یکی از تعارضات منافع دیگر بین تهران و آنکارا که در نتیجه حوزه نفوذ در کشورهای عربی پدید آمده است، بحران بحرین است. ترکیه تلاش کرده تا در این بحران نقشی میانجی‌گرانه ایفا کند. موقعیت رسمی ترکیه در خلیج فارس از سه عنصر و مؤلفه بنیادی تشکیل شده است: حفاظت از امنیت و ثبات موجود در منطقه خلیج فارس، احترام به اصل حاکمیت و تمامیت ارضی بحرین، و تشویق این کشور به انجام اصلاحات سیاسی گسترده (Arafat, 2020, 34). در این ارتباط، می‌توان مشاهده کرد که با استقرار نیروهای سپر شبه‌جزیره عربستان در بحرین، تعارض دیدگاه‌ها و نگرش‌های بین تهران و آنکارا در دوره حزب عدالت و توسعه به وضوح قابل مشاهده بود. این موارد نشان‌دهنده آن است که با ادامه انقلاب‌ها در کشورهای عربی، روابط بین تهران و آنکارا تا حد زیادی تحت تأثیر تغییرات گسترده قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، در دوره حزب عدالت و توسعه، ترکیه تلاش کرده است تا با برقرار کردن روابط، به عرصه سیاسی لبنان وارد شود. آنکارا تلاش کرده است تا میزان نفوذ ایران در لبنان را از طریق ایجاد روابط متوازن و متعادل با احزاب مختلف این کشور به مقدار قابل توجهی کاهش دهد (Mahmoud, 2023)؛ این رویکرد را می‌توان در سفر اردوغان به لبنان، که مدتی کوتاه پس از سفر احمدی‌نژاد به این کشور انجام شد، مشاهده کرد. به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد حضور ترکیه در عرصه سیاست داخلی لبنان چندان موفق نبوده و نفوذ جمهوری اسلامی در این کشور همچنان بیش از سایر کشورهای منطقه است (Akgün, 2018, 32). در ارتباط با نفوذ ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه در فلسطین، می‌توان بیان کرد که این نفوذ به‌ویژه پس از حمله اسرائیل به نوار غزه، آشکارتر شده است. این رویداد منجر به اعتراض اردوغان در سال ۲۰۰۹ در مجمع جهانی اقتصاد در داووس در میزگردی با شیمون پرز شد. پس از این اعتراض، اسرائیل اقدام به حمله به کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه ترکیه به نوار غزه نمود.

۵.۲. نقش گفتمان‌های هویتی در روابط ایران و ترکیه

یکی از چالش‌های اثرگذار بر توسعه همکاری‌های ایران و ترکیه، نقش برخی گفتمان‌های هویتی و قوم‌گرایانه، به‌ویژه پان‌ترکیسم، در تحولات ژئوپلیتیکی منطقه است. هرچند سیاست رسمی دولت ترکیه را نمی‌توان با جریان‌های فکری پان‌ترکیستی یکسان تلقی کرد، اما گسترش این گفتمان در برخی محافل سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی و تأکید بر پیوندهای فراملی ترک‌زبان، در برخی مقاطع حساس موجب افزایش نگرانی‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی در ایران شده است. این نگرانی‌ها به‌ویژه پس از تحولات قفقاز جنوبی و جنگ دوم قره‌باغ، با توجه به تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه و طرح برخی ایده‌ها درباره کریدور زنگزور، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. از این منظر، تداوم چنین گفتمان‌هایی می‌تواند بر سطح اعتماد متقابل اثر گذاشته و همکاری‌های دوجانبه را در برخی حوزه‌های سیاسی و امنیتی با چالش مواجه سازد. در مقابل، مدیریت این اختلافات از طریق گفت‌وگوهای مستمر سیاسی، احترام به تمامیت ارضی کشورها، پرهیز از بهره‌برداری از موضوعات هویتی و تمرکز بر منافع مشترک اقتصادی و امنیتی، می‌تواند از تبدیل این مسئله به مانعی جدی در روابط دو کشور جلوگیری کند.

۳. فرصت‌های همکاری ایران و ترکیه

روابط ایران و ترکیه، علاوه بر رقابت‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی، از ظرفیت‌های قابل توجهی برای همکاری برخوردار است که می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت اختلافات و تقویت ثبات منطقه‌ای ایفا کند. همجواری جغرافیایی، وابستگی‌های متقابل اقتصادی، پیوندهای تاریخی و فرهنگی، و همچنین تحولات نظام بین‌الملل، زمینه‌های متعددی را برای توسعه همکاری‌های دوجانبه فراهم ساخته است. مهم‌ترین این ظرفیت‌ها در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل،

گردشگری و نظم نوظهور چندقطبی قابل بررسی است.

۳-۱. همکاری در حوزه انرژی

انرژی یکی از پایدارترین ابعاد روابط اقتصادی ایران و ترکیه محسوب می‌شود. بر اساس قرارداد بلندمدت صادرات گاز طبیعی میان دو کشور، ایران از سال ۲۰۰۱ از طریق خط لوله تبریز-آنکارا بخشی از نیاز گازی ترکیه را تأمین کرده است. این وابستگی متقابل، به‌ویژه در دوره‌های اوج مصرف انرژی، جایگاه ایران را به‌عنوان یکی از تأمین‌کنندگان مهم بازار انرژی ترکیه تثبیت کرده است. آمارهای رسمی نیز نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۴ حجم صادرات گاز ایران به ترکیه نسبت به سال قبل افزایش یافته و همچنان سهم قابل توجهی از واردات گاز این کشور را تشکیل می‌دهد (IEA, ۲۰۲۴; Republic of Turkey Ministry of Energy and Natural Resources, ۲۰۲۴). با وجود این، همکاری‌های انرژی با چالش‌هایی نیز همراه است. پایان اعتبار قرارداد فعلی صادرات گاز، تلاش ترکیه برای تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی از طریق واردات LNG و توسعه همکاری با سایر عرضه‌کنندگان، و نیز تحولات بازار جهانی انرژی، آینده این همکاری را با عدم قطعیت‌هایی مواجه کرده است. در مقابل، توسعه سازوکار انتقال گاز ترکمنستان از مسیر ایران، فرصت جدیدی را برای ارتقای نقش ایران از یک صادرکننده صرف به یک کشور ترانزیتی در بازار انرژی منطقه ایجاد کرده است. در نتیجه، استمرار همکاری‌های گازی می‌تواند ضمن تأمین امنیت انرژی ترکیه، جایگاه ژئوپلیتیکی ایران را نیز در شبکه انتقال انرژی اوراسیا تقویت کند (IEA, ۲۰۲۴).

۳-۲. همکاری در کریدورهای ترانزیتی

جایگاه ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه، هر دو کشور را به بازیگران کلیدی در شبکه‌های ترانزیتی اوراسیا تبدیل کرده است. قرارگیری ایران در مسیر اتصال خلیج فارس به آسیای مرکزی و اروپا و موقعیت ترکیه به‌عنوان دروازه ورود به بازارهای اروپایی، ظرفیت مناسبی برای توسعه همکاری در کریدورهای بین‌المللی حمل‌ونقل فراهم کرده است. در این چارچوب، کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب^{۱۲} یکی از مهم‌ترین پروژه‌هایی است که می‌تواند زمان و هزینه انتقال کالا میان آسیا و اروپا را به میزان قابل توجهی کاهش دهد (United Nations Conference on Trade and Development [UNCTAD], ۲۰۲۳). در عین حال، ترکیه به‌صورت هم‌زمان در توسعه کریدور میانی^{۱۳} نیز سرمایه‌گذاری کرده است؛ مسیری که از آسیای مرکزی، دریای خزر و قفقاز عبور کرده و رقیب نسبی برخی مسیرهای ترانزیتی ایران به شمار می‌رود. با این حال، نگاه مکمل به این کریدورها و تکمیل زیرساخت‌های ریلی، به‌ویژه پروژه راه‌آهن رشت-آستارا، می‌تواند زمینه هم‌افزایی میان شبکه‌های ترانزیتی دو کشور را فراهم ساخته و درآمدهای حاصل از ترانزیت منطقه‌ای را افزایش دهد (World Bank, ۲۰۲۳).

۳-۳. همکاری در حوزه گردشگری و تعاملات فرهنگی

گردشگری یکی از کم‌تنش‌ترین حوزه‌های همکاری میان ایران و ترکیه محسوب می‌شود. لغو متقابل روادید برای سفرهای کوتاه‌مدت، همراه با اشتراکات تاریخی، فرهنگی و تمدنی، موجب افزایش قابل توجه رفت‌وآمد شهروندان دو کشور شده است. پیش از همه‌گیری کووید-۱۹، ترکیه یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری ایرانیان بود و سالانه میلیون‌ها گردشگر ایرانی از این کشور بازدید می‌کردند (United Nations World Tourism Organization, ۲۰۲۳). گسترش همکاری‌های گردشگری علاوه بر آثار اقتصادی و افزایش درآمدهای ارزی، می‌تواند موجب تقویت دیپلماسی عمومی، افزایش تعاملات مردمی و کاهش سوءبرداشت‌های فرهنگی میان دو جامعه شود. از این منظر، توسعه گردشگری فرهنگی و سلامت، ظرفیت مهمی برای تعمیق روابط دوجانبه به شمار می‌رود.

۳-۴. فرصت‌های ناشی از نظم نوظهور چندقطبی

تحولات نظام بین‌الملل و حرکت تدریجی به سوی نظم چندقطبی، فرصت‌های جدیدی را برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و مالی میان ایران و ترکیه فراهم کرده است. عضویت ایران در گروه بریکس و تلاش این

^{۱۲} International North-South Transport Corridor (INSTC)

^{۱۳} Trans-Caspian Middle Corridor

مجموعه برای توسعه سازوکارهای مالی مستقل از نظام مالی مبتنی بر دلار، زمینه مناسبی برای کاهش آثار محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها ایجاد کرده است (BRICS, ۲۰۲۴). از سوی دیگر، ترکیه نیز ضمن حفظ عضویت در ناتو، سیاست خارجی متوازن‌تری را در پیش گرفته و تلاش می‌کند از ظرفیت همکاری با قدرت‌های نوظهور برای افزایش استقلال راهبردی خود بهره‌برداری کند. این همگرایی نسبی می‌تواند زمینه توسعه مبادلات دوجانبه با استفاده از ارزهای ملی، ایجاد سازوکارهای پرداخت غیردلاری و گسترش همکاری‌های مالی را فراهم سازد؛ امری که در صورت تحقق، آسیب‌پذیری تجارت دو کشور در برابر تحریم‌های ثانویه را تا حدودی کاهش خواهد داد (OECD, ۲۰۲۴; BRICS, ۲۰۲۴).

۴. تحلیل وضعیت چشم انداز روابط ایران و ترکیه با استفاده از مدل سوات

روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، از منظر تاریخی، فرهنگی و اقتصادی، همواره پیچیده و چندوجهی بوده است. متن ارائه شده به خوبی به این پیچیدگی اشاره کرده و مفهوم "رقابت همکارانه" یا "همکاری رقیب‌گونه" را برای توصیف این روابط به کار می‌برد. این تحلیل سعی دارد با کاوش عمیق‌تر در ابعاد مختلف این تعاملات، تصویری واقع‌بینانه از پویایی‌های جاری و آتی ارائه دهد.

بخش اول: همگرایی‌های سطحی و ساختاری (مؤلفه‌های همکاری)

پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی عمیق: وجود قرن‌ها تعامل فرهنگی، هنری و مذهبی (به ویژه اسلام و اشتراکات جغرافیایی) بستر و زمینه مشترکی را برای دو کشور فراهم آورده است. همکاری‌های اقتصادی و تجاری گسترده: تجارت دوجانبه، به ویژه در حوزه‌های انرژی (صادرات گاز ایران به ترکیه)، صنعت، و خدمات، همواره ستون فقرات روابط محسوب شده است. نیازهای متقابل اقتصادی، به ویژه نیاز ترکیه به انرژی و بازار ایران، و نیاز ایران به مسیرهای ترانزیتی ترکیه و دسترسی به بازارهای جهانی از طریق آن، انگیزه‌های قوی برای حفظ و توسعه این همکاری‌ها هستند. ثبات نسبی در همسایگی: علی‌رغم تمامی رقابت‌ها، دو کشور توانسته‌اند از ورود به درگیری‌های نظامی مستقیم یا یکدیگر اجتناب کنند و همسایگی نسبتاً باثباتی را حفظ کرده‌اند. این امر به دلیل درک متقابل از ظرفیت‌های نظامی و ژئوپلیتیکی یکدیگر و ملاحظات امنیتی مشترک (مانند مبارزه با گروه‌های تروریستی) است.

بخش دوم: واگرایی‌های عمیق و راهبردی (مؤلفه‌های تعارض)

رقابت ژئوپلیتیک و قدرت منطقه‌ای: این عامل، ریشه اصلی واگرایی است. برای افزایش نفوذ و نقش‌آفرینی در حوزه‌هایی مانند غرب آسیا (عراق، سوریه)، قفقاز و آسیای مرکزی رقابت می‌کنند. این رقابت در دوران پس از "بهار عربی" و بحران سوریه به اوج خود رسید، جایی که هر دو کشور از گروه‌های متخاصم حمایت کرده و در نهایت منافع آن‌ها در تضاد قرار گرفت. اختلافات ایدئولوژیک و مدل حکمرانی: ایران بر پایه مدل "ولایت فقیه" و "جمهوری اسلامی" استوار است، در حالی که ترکیه به رغم گرایش‌های اسلامی اخیر، کماکان یک نظام سکولار پارلمانی (هرچند با گرایش‌های اقتدارگرایانه در دوران اردوغان) محسوب می‌شود. این تفاوت در مبانی ایدئولوژیک و مدل‌های حکمرانی داخلی، در رویکردهای سیاست خارجی و حمایت از بازیگران منطقه‌ای نیز منعکس می‌شود.

مسئله کُردی: این یک نقطه اشتراک امنیتی و در عین حال یک منبع بالقوه اختلاف است. هر دو کشور با چالش گروه‌های کردی مسلح مواجه هستند، اما رویکردهای آن‌ها در قبال مسئله کردها (مثلاً در سوریه و عراق) می‌تواند متفاوت و حتی متعارض باشد، که پتانسیل ایجاد تنش را دارد.

نگرش به بازیگران فرامنطقه‌ای: دیدگاه‌های متفاوت در قبال قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده و اسرائیل، عامل دیگری در واگرایی است. ایران، آمریکا و اسرائیل را دشمنان اصلی خود می‌داند، در حالی که ترکیه، اگرچه روابط پیچیده‌ای با آمریکا دارد و گاهی دچار تنش می‌شود، اما همچنان عضو ناتو و متحد استراتژیک غرب محسوب می‌شود.

روابط ترکیه با اسرائیل نیز در نوسان بوده اما هرگز به قطع کامل نرسیده است.

روابط ایران و ترکیه، نمونه‌ای بارز از پدیده‌ای پیچیده در روابط بین‌الملل است که "رقابت همکارانه" نامیده می‌شود. این وضعیت به معنای آن است که دو کشور با وجود منافع مشترک در برخی زمینه‌ها که منجر به همکاری می‌شود، در سایر حوزه‌ها به دلیل تضاد منافع راهبردی و ژئوپلیتیکی، رقابت و حتی تعارض دارند. تداوم این وضعیت، مستلزم مدیریت هوشمندانه و پرهیز از اقدامات تحریک‌آمیز است. عدم درک عمیق از این واگرایی‌ها می‌تواند به بروز تنش‌های غیرقابل کنترل منجر شود که ثبات کل منطقه را به خطر می‌اندازد. برای درک کامل پویایی‌های آینده روابط ایران و ترکیه و تدوین راهبردهای مؤثر، تحلیل SWOT (نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها، تهدیدها) ابزاری حیاتی و بسیار حرفه‌ای است:

به منظور شناخت نقاط ضعف و کمبودها، همچنین نقاط قوت و فرصت‌ها، با استفاده از مدل سوات در جداول (۲) و (۳) این نقاط به ترتیب در ارتباط با عوامل داخلی و خارجی به تفکیک بررسی و برای هر یک نمره و ضریبی در نظر گرفته شده، که در نهایت باتوجه به ضریب مذکور، نمره نهایی برای آن ارائه شده است. این ضرایب از صفر بی‌اهمیت با یک بسیار مهم طبقه‌بندی شده و نشان‌دهنده اهمیت نسبی هر عامل است که بر اساس نظرسنجی از خبرگان و به صورت تکنیک دلفی وزن‌ها و ضرایب تعیین شده، و رتبه و نمره از پایین به بالا و از منفی به مثبت تعیین گردیده است.

جدول شماره (۲): ماتریس ارزیابی نقاط ضعف و قوت ناشی از عوامل داخلی (IFE)

ردیف	عامل	وزن	نرمالیزه کردن	نمره	نمره نهایی
۱	مجاورت جغرافیایی و مرز مشترک طولانی: امکان مبادلات زمینی و ارتباط مستقیم	۴	۰,۰۸	۴	۰,۳۳
۲	وابستگی متقابل انرژی: ایران تامین‌کننده گاز، ترکیه مسیر ترانزیت و مصرف‌کننده	۳	۰,۰۶	۳,۹۸	۰,۲۴
۳	وابستگی متقابل اقتصادی: حجم قابل توجه تجارت (علیرغم تحریم‌ها)، نیاز ترکیه به انرژی ایران و نیاز ایران به کالاهای ترکیه	۴	۰,۰۸	۴	۰,۳۳
۴	اشتراکات تاریخی و فرهنگی عمیق: پیوندهای زبانی، ادبی، هنری و مذهبی (شیعه/سنی با وجود تفاوت)	۵	۰,۱۰	۲,۵۶	۰,۲۶
۵	جمعیت بزرگ و بازارهای بالقوه: هر دو کشور دارای جمعیت جوان و بازارهای مصرف بزرگ هستند.	۴	۰,۰۸	۳,۰۴	۰,۲۵
۶	ظرفیت‌های مکمل اقتصادی: توانمندی ایران در انرژی و معادن، توانمندی ترکیه در صنعت، کشاورزی و خدمات.	۳	۰,۰۶	۴,۴	۰,۲۷
۷	موقعیت ترانزیتی حیاتی: کریدورهای حمل‌ونقل شمال-جنوب (ایران) و شرق-غرب (ترکیه) می‌توانند همپوشانی داشته باشند.	۴	۰,۰۸	۲,۴۶	۰,۲۰
۸	ثبات نسبی سیاسی در مقایسه با منطقه: هر دو دولت دارای ثبات داخلی نسبی (علیرغم چالش‌ها) هستند.	۳	۰,۰۶	۲,۵۸	۰,۱۶
۹	همکاری‌های امنیتی در برخی حوزه‌ها: مبارزه با تروریسم (مثل داعش)، کنترل مرزها علیه قاچاق.	۴	۰,۰۸	۳,۳۸	۰,۲۸
ردیف	عامل	ضریب	نرمالیزه کردن	نمره	نمره نهایی
۱	اختلافات ایدئولوژیک عمیق: تفاوت در نظام سیاسی (جمهوری اسلامی VS سکولار-دموکراتیک) و رویکرد به اسلام سیاسی	۲	۰,۰۴	۳,۶۲	۰,۱۵

۲	رقابت تاریخی و ژئوپلیتیک: رقابت بر سر نفوذ در قفقاز، آسیای مرکزی، خاورمیانه و جهان اسلام.	۲	۰,۰۴	۳,۹۸	۰,۱۶
۳	اختلافات راهبردی در سوریه: حمایت ایران از اسد و حزب الله، حمایت ترکیه از مخالفان و نگرانی از حضور کردها	۲	۰,۰۴	۲,۶۶	۰,۱۱
۴	اختلاف در مساله فلسطین و اسرائیل: روابط نزدیک ترکیه با اسرائیل (علیرغم انتقادات) VS. موضع اصولی ایران	۱	۰,۰۲	۴,۰۶	۰,۰۸
۵	مسئله کردها: نگرانی ایران از فعالیت های PKK در خاک ترکیه و نگرانی ترکیه از گروه های کرد ایرانی و حمایت ایران از YPG در سوریه	۲	۰,۰۴	۲,۷۴	۰,۱۱
۶	تحریم های بین المللی علیه ایران: محدودیت های شدید برای تجارت، بانکداری و سرمایه گذاری	۲	۰,۰۴	۳,۸۴	۰,۱۶
۷	نوسانات ارزی و بی ثباتی اقتصادی در هر دو کشور: ریسک سرمایه گذاری و تجارت را افزایش می دهد.	۱	۰,۰۲	۳,۸۴	۰,۰۸
۸	ضعف زیرساخت های تجاری مرزی: گمرکات، حمل و نقل ریلی و جاده ای نیاز به توسعه و نوسازی دارد.	۱	۰,۰۲	۳,۷۶	۰,۰۸
۹	وابستگی بیش از حد تجارت به انرژی و کالاهای اساسی: تنوع بخشی ناکافی به سبد تجاری.	۲	۰,۰۴	۳,۶۴	۰,۱۵
	جمع	۴۹	۱		۳,۳۸

مطابق نتایج جدول ۲، امتیاز نهایی ماتریس از مقدار مبنا (۲,۵) بیشتر است؛ بنابراین، وضعیت عوامل داخلی (یا خارجی) در سطح مطلوب ارزیابی می شود. در جدول حاضر IFE، عدد به دست آمده ۳,۳۸ است که نشان دهنده قوت می باشد. عدد به دست آمده از ارزیابی IFE (۳,۳۸) نشان دهنده یک موقعیت قوی برای ارتقاء روابط دو کشور است، زیرا این عدد بالاتر از نقطه مرجع ۲,۵ قرار دارد. در این وضعیت، این عدد نشان دهنده این موضوع است که عوامل داخلی موجود در این سازمان یا کشور به گونه ای است که می تواند به موفقیت ها و پیشرفت های بیشتری منجر شود. قوت های داخلی می توانند دو کشور این امکان را بدهد که در برابر چالش های بیرونی و رقابت های عظیم توانمندی بیشتری نشان دهد. این به معنی وجود ظرفیت های بالا در تحقق اهداف و برنامه هاست. قوت ها می توانند به جذب سرمایه گذاران و شرکا کمک کنند. وقتی که یک کشور یا سازمان به لحاظ داخلی قوی باشد، دیگران تمایل بیشتری به همکاری و سرمایه گذاری در آن دارند. با این حال، حتی با وجود وجود قوت ها، نباید از چالش ها و تهدید های خارجی غافل شد. برای مثال: تغییرات ناگهانی در شرایط اقتصادی یا سیاست ها ممکن است بر روی قوت های داخلی تأثیر منفی بگذارد.

جدول شماره (۳): ماتریس ارزیابی نقاط فرصت و تهدید ناشی از عوامل بیرونی (EFE)

ردیف	عامل فرصت ها	ضریب	نرمالیزه کردن	نمره	نمره نهایی
۱	بازارهای انرژی در حال تحول اروپا: نیاز اروپا به تنوع بخشی به منابع گاز پس از جنگ اوکراین، فرصتی برای همکاری ایران (صادرات) و ترکیه (هاب ترانزیت)	۴	۰,۱۱	۲,۵۸	۰,۲۷
۲	کریدورهای حمل و نقل بین المللی جدید: پتانسیل همکاری در کریدورهای مثل INSTC (کریدور حمل و نقل شمال-جنوب) و کریدورهای ترکیه به آسیای مرکزی.	۳	۰,۰۸	۲,۱۸	۰,۱۷
۳	ظهور نظم چندقطبی جهانی: کاهش هژمونی غرب، امکان افزایش	۳	۰,۰۸	۲,۴۶	۰,۱۹

				مانور دیپلماتیک و همکاری جنوب-جنوب برای هر دو کشور	
۴			۴	نیاز روزافزون به امنیت انرژی: نقش ایران به عنوان تامین کننده و ترکیه به عنوان هاب ترانزیت می تواند تقویت شود	۰,۲۳
۵			۴	افزایش تمایل به همکاری های منطقه ای: تمایل به احیای پیمان هایی مانند ۸D یا ایجاد پویش های جدید جنوب-جنوب.	۰,۲۹
۶			۳	پتانسیل عظیم گردشگری متقابل: جاذبه های تاریخی، فرهنگی و مذهبی فراوان در هر دو کشور.	۰,۲۴
۷			۳	فشارهای اقتصادی جهانی: نیاز به تنوع بخشی به شرکای تجاری و کاهش وابستگی به غرب برای هر دو کشور	۰,۲۴
ردیف	عامل تهدیدها	ضریب	نرمالیزه کردن	نمره	نمره نهایی
۱	رقابت فزاینده قدرت های منطقه ای: افزایش نقش امارات، عربستان، اسرائیل و مصر که ممکن است علیه منافع مشترک ایران و ترکیه عمل کنند.	۲	۰,۰۵	۳,۴	۰,۱۸
۲	مداخلات و نفوذ قدرت های فرامنطقه ای: آمریکا، روسیه و چین که می توانند روابط دو جانبه را تحت تاثیر قرار دهند (تحریم ها، همکاری تسلیحاتی)	۲	۰,۰۵	۳,۴۲	۰,۱۸
۳	تحریم های ثانویه آمریکا علیه ایران: ریسک شرکت های ترکیه برای همکاری با ایران و محدودیت های فزاینده.	۲	۰,۰۵	۴,۲۲	۰,۲۲
۴	ناپایداری و درگیری در همسایگی مشترک: عراق، سوریه، قفقاز (بعد از جنگ قره باغ) که امنیت و منافع هر دو را تهدید می کند.	۱	۰,۰۳	۳,۰۴	۰,۰۸
۵	رقابت تسلیحاتی منطقه ای: تلاش ترکیه برای خودکفایی دفاعی و پیشرفت های موشکی ایران، می تواند حس رقابت را تشدید کند.	۲	۰,۰۵	۳,۴۶	۰,۱۸
۶	گسترش ناتو به شرق: عضویت احتمالی کشورهایمانند سوئد و فنلاند و نگرانی ایران از نزدیکی بیشتر ناتو به مرزهایش.	۱	۰,۰۳	۳,۰۴	۰,۰۸
۷	رقابت تسلیحاتی منطقه ای: تلاش ترکیه برای خودکفایی دفاعی و پیشرفت های موشکی ایران، می تواند حس رقابت را تشدید کند.	۱	۰,۰۳	۳,۶۲	۰,۱۰
۸	مسئله آبی در منطقه: اختلافات بر سر سدسازی ترکیه بر رودهای دجله و فرات و تاثیر آن بر عراق و سوریه (متحدین ایران).	۱	۰,۰۳	۴	۰,۱۱
۹	فشار گروه های افراطی: تهدید گروه های تروریستی مانند داعش یا شاخه های القاعده علیه هر دو کشور	۲	۰,۰۵	۴,۰۲	۰,۲۱
جمع					۲/۹۷

با توجه به جدول ۳، عدد به دست آمده از ارزیابی (۲,۹۷) به وضوح بیان کننده وجود فرصت ها در تعاملات جمهوری اسلامی ایران و ترکیه است. این عدد بالاتر از نقطه تعیین شده (۲,۵) است که نشان دهنده این است که شرایط محیطی به نفع ایران و ترکیه است و این دو کشور می توانند از این فرصت ها بهره برداری کنند.

وجود عددی بالاتر از ۲,۵ به چندین دلیل مهم است:

- انگیزه برای سرمایه گذاری: وجود فرصت ها می تواند کشورهای مربوطه را برای سرمایه گذاری در پروژه های مشترک و

همکاری‌های اقتصادی ترغیب کند. این موضوع می‌تواند به توسعه زیرساخت‌ها، صنعت و بخش‌های مختلف کمک کند.

- تقویت روابط دیپلماتیک: فرصت‌ها می‌توانند موجب تقویت روابط دیپلماتیک و همکاری‌های دو جانبه شوند. این روابط می‌توانند در زمینه‌های فرهنگی، علمی و نظامی نیز گسترش یابند.

- افزایش نفوذ منطقه‌ای: همکاری‌های نزدیک‌تر می‌تواند به هر دو کشور کمک کند تا نفوذ خود در منطقه را افزایش دهند و در ورود به حوزه‌های جدید کسب و کار و روابط بین‌الملل، قوی‌تر ظاهر شوند.

باید توجه داشت که اگرچه عدد بالای ۲,۹۷ نشان‌دهنده فرصت‌هاست، هر دو کشور برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها نیاز به مدیریت چالش‌ها و تهدیدهای موجود دارند. این موارد ممکن است شامل اختلافات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد که می‌تواند بر روابط تأثیر منفی بگذارد.

۵. راهبرد ارتقاء روابط ایران و ترکیه با استفاده از مدل سوات:

بر اساس امتیازات ماتریس‌های IFE و EFE، موقعیت استراتژیک روابط دو کشور در ناحیه راهبردهای تهاجمی (SO) قرار گرفته است. در اجرای استراتژی‌های SO یا راهبرد تهاجمی، می‌توان با استفاده از نقاط قوت داخلی از فرصت‌های خارجی حداکثر بهره‌برداری را نمود. هر کشوری علاقه مند است که همیشه در این موقعیت قرار داشته باشد تا بتواند با بهره‌گیری از نقاط قوت داخلی از فرصت‌ها و رویدادهای خارجی حداکثر استفاده را بنماید. در واقع در این استراتژی تمام اجزا خواهان وضعیتی هستند که قادر باشند توأمان قوت و فرصت‌های خود را به حداکثر برسانند.



نمودار ۴-۵- نمودار مجموع وزن‌های عوامل محیط داخلی و خارجی، مآخذ: نگارنده

با توجه به تحلیل ارائه‌شده در نمودار، نتیجه‌گیری می‌شود که فرصت‌ها در زمینه همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، به مراتب بیشتر از سایر عوامل موجود است. با توجه به قرار گرفتن روابط ایران و عربستان در ناحیه راهبردهای تهاجمی (SO)، مناسب‌ترین جهت‌گیری راهبردی، بهره‌گیری حداکثری از نقاط قوت داخلی برای استفاده از فرصت‌های محیطی است. در این چارچوب، توسعه همکاری‌های اقتصادی و انرژی، تقویت کریدورهای حمل‌ونقل و ترانزیت، گسترش تعاملات دیپلماتیک و امنیتی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های مشترک و بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، مهم‌ترین راهبردهای پیشنهادی برای ارتقای روابط دو کشور به شمار می‌روند.

جدول ۴- جمع‌بندی راهبردهای پیشنهادی برای توسعه همکاری‌های ایران و ترکیه بر اساس تحلیل SWOT

محور راهبردی	مهم‌ترین یافته	راهبرد پیشنهادی
همکاری و رقابت	روابط دو کشور بر پایه همکاری اقتصادی و رقابت ژئوپلیتیکی استوار است.	مدیریت اختلافات از طریق گفت‌وگو و تمرکز بر منافع مشترک.

همکاری اقتصادی	ظرفیت‌های مکمل اقتصادی و بازارهای مشترک وجود دارد، اما تحریم‌ها مانع اصلی هستند.	توسعه تجارت غیرتحریمی، سرمایه‌گذاری مشترک و بهبود زیرساخت‌های مرزی.
انرژی	وابستگی متقابل انرژی مهم‌ترین مزیت راهبردی دو کشور است.	تمدید قراردادهای انرژی، توسعه زیرساخت‌های انتقال و همکاری در انرژی‌های تجدیدپذیر.
امنیت و ژئوپلیتیک	اختلافات در سوریه، قفقاز و مسئله کردها مهم‌ترین چالش‌های امنیتی هستند.	تقویت سازوکارهای دیپلماتیک و امنیتی برای مدیریت اختلافات.
تحریم‌ها	تحریم‌های بین‌المللی همکاری اقتصادی را محدود کرده‌اند.	استفاده از سازوکارهای مالی غیردلاری، تجارت تهاتری و دیپلماسی اقتصادی.
محیط بین‌الملل	نظم چندقطبی فرصت‌هایی برای همکاری ایجاد کرده است.	بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و توسعه همکاری‌های چندجانبه.
پایداری روابط	تحولات داخلی بر روابط دو کشور اثرگذار است.	نهادینه‌سازی همکاری‌ها از طریق توافقات بلندمدت و کمیسیون‌های مشترک.

ماخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این پژوهش پاسخ روشنی به دو پرسش اصلی مطرح‌شده در مقدمه ارائه می‌کند. در پاسخ به پرسش نخست، مبنی بر اینکه «استراتژی حاکم بر روابط ایران و ترکیه در شرایط کنونی چیست؟»، یافته‌های حاصل از تحلیل SWOT و ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM) نشان می‌دهد که مناسب‌ترین راهبرد، راهبرد SO (تهاجمی) است. این نتیجه بیانگر آن است که دو کشور، با وجود اختلافات سیاسی و امنیتی، همچنان از ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه‌هایی مانند انرژی، ترانزیت، تجارت، موقعیت ژئوپلیتیکی و بازارهای مکمل برخوردارند و در صورت بهره‌گیری مناسب از این ظرفیت‌ها، امکان توسعه همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای وجود خواهد داشت. در پاسخ به پرسش دوم، یافته‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین موانع توسعه همکاری‌های ایران و ترکیه را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد: تداوم تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، اختلاف دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی در پرونده‌هایی مانند سوریه، عراق و قفقاز، مسئله گروه‌های کردی و همچنین نقش و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات منطقه. این عوامل ضمن کاهش سطح اعتماد متقابل، روند همکاری‌های اقتصادی، بانکی و تجاری را نیز با محدودیت‌هایی مواجه کرده‌اند. بررسی نتایج همچنین نشان می‌دهد که با وجود این موانع، حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل، ترانزیت، تجارت و گردشگری همچنان مهم‌ترین زمینه‌های همگرایی میان دو کشور به شمار می‌روند. از این‌رو، توسعه مبادلات با ارزهای ملی، گسترش تجارت کالاهای غیرتحریمی، تقویت زیرساخت‌های مرزی و ارتقای همکاری‌های ترانزیتی می‌تواند بخشی از محدودیت‌های موجود را کاهش داده و زمینه افزایش تعاملات اقتصادی را فراهم سازد. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بخش مهمی از اختلافات ایران و ترکیه ماهیتی ساختاری و ژئوپلیتیکی دارد و انتظار رفع کامل آن‌ها در کوتاه‌مدت واقع‌بینانه نیست. بنابراین، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، مدیریت این اختلافات از طریق گفت‌وگوهای مستمر سیاسی و امنیتی و جلوگیری از سرایت آن‌ها به حوزه‌های اقتصادی است. در این چارچوب، تفکیک عرصه‌های همکاری از حوزه‌های رقابت می‌تواند زمینه پایدارتری برای حفظ و توسعه روابط دو کشور فراهم کند. در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آینده روابط ایران و ترکیه بیش از آنکه به حذف اختلافات وابسته باشد، به توانایی دو کشور در مدیریت آن‌ها و بهره‌گیری از منافع مشترک اقتصادی و ژئوپلیتیکی بستگی دارد. هرچه ظرفیت‌های مشترک در حوزه انرژی، تجارت، ترانزیت و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای فعال‌تر شود، امکان تحقق راهبرد SO و تقویت همکاری‌های پایدار میان دو کشور نیز افزایش خواهد یافت. تجربه

همگرایی فرانسه و آلمان پس از جنگ جهانی دوم نیز می‌تواند الگویی قابل تأمل برای روابط ایران و ترکیه باشد. دو کشوری که پس از دهه‌ها رقابت و چندین جنگ پرهزینه، با پذیرش واقعیت تداوم اختلافات سیاسی، همکاری خود را از حوزه‌های دارای منافع مشترک آغاز کردند. شکل‌گیری جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا^{۱۴} در سال ۱۹۵۱، بر پایه ابتکار اعلامیه شومان در سال ۱۹۵۰، نقطه آغاز این مسیر بود و به‌تدریج زمینه شکل‌گیری اتحادیه اروپا را فراهم کرد. تجربه مزبور نشان می‌دهد که همگرایی پایدار الزاماً مستلزم رفع کامل اختلافات سیاسی نیست؛ بلکه می‌تواند با تمرکز بر منافع اقتصادی مشترک، ایجاد وابستگی متقابل و توسعه نهادهای همکاری آغاز شود. بر همین اساس، در روابط ایران و ترکیه نیز تقویت همکاری در حوزه‌هایی نظیر انرژی، ترانزیت، تجارت، حمل‌ونقل و گردشگری می‌تواند به‌عنوان بستری برای افزایش اعتماد متقابل و مدیریت تدریجی اختلافات ژئوپلیتیکی عمل کند.

پیشنهاد راهبردی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در تعاملات ج.ا.ا با کشور ترکیه:

- **ایجاد مرکز تبادل مالی غیردلاری:** ایجاد یک مرکز تبادل مالی مبتنی بر ارزهای ملی (ریال و لیر) یا سازوکارهای پرداخت جایگزین، می‌تواند تجارت کالاهای غیرتحریمی را تسهیل کرده و وابستگی به نظام مالی بین‌المللی را کاهش دهد. این اقدام ضمن کاهش آثار تحریم‌های ثانویه، تداوم همکاری‌های اقتصادی دو کشور را تقویت می‌کند.
- **راه‌اندازی کریدور ترانزیت هوشمند شرق-غرب:** بهره‌گیری از فناوری بلاکچین در مدیریت کریدورهای ترانزیتی، امکان ردیابی شفاف کالا، کاهش هزینه‌های لجستیکی و تسریع فرآیندهای گمرکی را فراهم می‌سازد. این اقدام می‌تواند جایگاه ایران و ترکیه را در زنجیره ترانزیت منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا دهد.
- **توسعه پروژه‌های مشترک انرژی سبز:** سرمایه‌گذاری مشترک در نیروگاه‌های خورشیدی و بادی در مناطق مرزی، علاوه بر تنوع‌بخشی به منابع انرژی، زمینه توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال در نواحی مرزی را فراهم می‌کند و همکاری‌های بلندمدت انرژی میان دو کشور را گسترش می‌دهد.
- **تشکیل کمیسیون دائمی امنیتی-اطلاعاتی مرزی:** ایجاد سازوکار دائمی برای تبادل اطلاعات و هماهنگی عملیاتی در مقابله با تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان‌یافته، می‌تواند امنیت مرزهای مشترک را افزایش داده و از بروز تنش‌های مرزی جلوگیری کند.
- **طراحی بسته گردشگری مشترک منطقه‌ای:** با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی و ظرفیت بالای گردشگری متقابل، طراحی بسته‌های گردشگری مشترک میان ایران و ترکیه و تسهیل خدمات سفر می‌تواند ضمن افزایش تبادل گردشگران، به تقویت دیپلماسی فرهنگی، توسعه اقتصاد گردشگری و تعمیق روابط دوجانبه کمک کند.
- **ایجاد پارک‌های صنعتی مشترک مرزی:** احداث پارک‌های صنعتی مشترک در نواحی مرزی با بهره‌گیری از تسهیلات گمرکی و زیرساخت‌های استاندارد، زمینه جذب سرمایه‌گذاری، توسعه تولید صادرات‌محور و افزایش ارزش افزوده کالاهای مشترک را فراهم می‌کند.

منابع

- Abdi, A., Karimipour, Y., Faraji Rad, A., & Saei, Z. (۲۰۲۱). Geopolitical analysis of Iran-Turkey relations in the AKP period from the perspective of geopolitical realism. *Geopolitics Quarterly*, ۱۷(۱), ۱۹-۵۶.
- Ahmadi, H., & Soleimani, M. (۲۰۱۹). The geopolitics of cooperation and competition between Iran and Turkey in Central Asia and the Caucasus. *Central Eurasian Studies*

^{۱۴} European Coal and Steel Community

Quarterly (in Persian)

- Akbari, H. (۲۰۲۳). Geopolitical Challenges in the Formation of Nations in Central Asia and the Caucasus; A Comparative Study. *Geopolitics Quarterly*, ۱۹(۲), ۱۵۶-۱۹۳.
- Akgün, A. (۲۰۱۸). Kurdish issue and Turkey's relations with Iraq and Syria: ۱۹۹۱-۲۰۱۶ (Master's thesis, Middle East Technical University, Turkey).
- Al Mohammad, A. (۲۰۲۴). The media's symphony of discord: Sunni-Shiite conflict revival in the Middle East: A close exploration through Fadak and Safa channels.
- Altundas-Akcay, C. (۲۰۲۲). Turkish foreign policy towards Iran since the Arab uprisings (December ۲۰۱۰ to July ۲۰۱۸): A neoclassical realist account (Doctoral dissertation, Durham University).
- Arafat, A. A. D. (۲۰۲۰). Regional and international powers in the Gulf security. Berlin/Heidelberg, Germany: Springer International Publishing.
- Aras, B. (۲۰۲۰). Turkish foreign policy after July ۱۵. *Insight Turkey*, ۲۲(۱), ۱۱-۲۰. (emphasizing the geopolitical significance and position of Turkey)
- Aras, B., & Akpınar, P. (۲۰۱۷). *Middle Eastern Studies*, ۵۳(۵), ۷۴۲-۷۵۹
- Bachtiar, H., Razak, M., & Zakaria, S. (۲۰۲۱). Indonesian progressive Muslims and the discourse of the Israeli-Palestinian. *Journal of Social Studies*, ۱۷(۱), ۱-۲۰.
- Cakmak, A. E. (۲۰۰۱). Water conflict between Turkey, Syria, and Iraq.
- Dawood, A. A. (۲۰۲۲). Political Islam in Iraq and its impact on foreign relations from ۲۰۰۵ to ۲۰۲۰.
- Elik, S. (۲۰۱۲). *Iran-Turkey Relations, ۱۹۷۹-۲۰۱۱: Conceptualising the Dynamics of Politics, Religion and Security in Middle-Power States*. London: Routledge.
- Green-Pedersen, C. (۲۰۱۹). The reshaping of West European party politics: Agenda-setting and party competition in comparative perspective. Oxford University Press.
- Has, I. (۲۰۲۲). Glocal securitization of urban space in Turkey.
- Hosseini, S.Y. (۲۰۲۰). Geopolitical analysis of Iran-Turkey relations in the Syrian crisis. *Quarterly of Strategic Policy Research* (in Persian)
- Kamrava, M. (۲۰۱۸). Multipolarity and instability in the Middle East. *Orbis*, ۶۲(۴), ۵۹۸-۶۱۶.
- Katzman, K., & Humud, C. E. (۲۰۱۶). Iraq: Politics and governance (pp. ۱-۴۰). Washington, DC: Congressional Research Service.
- Kibaroglu, A. (۲۰۱۹). State-of-the-art review of transboundary water governance in the Euphrates-Tigris river basin. International Waters Governance Project. (addressing the challenges and shared importance of water)
- Koolae, E., Safari, A., & Norouzi, M. (۲۰۲۱). Iran and Turkey in Syria: Competition or cooperation? A geopolitical analysis. *Quarterly of Political Research in the Islamic World* (in Persian)
- Kumral, M. A. (۲۰۱۶). Rethinking Turkey-Iraq relations.
- Mahmoud, M. J. (۲۰۲۳). An analysis of Turkey's regional agenda in Yemen's civil war (۲۰۱۴-۲۰۲۱) (Master's thesis, Marmara Universitesi, Turkey).
- Mearsheimer, J. J. (۲۰۰۱). *The Tragedy of Great Power Politics*. W.W. Norton.
- Okuduci, I. (۲۰۲۱). Iranian influence in Iraq ۲۰۱۱-۲۰۲۰.
- Özkan, B. (۲۰۱۹). Relations between Turkey and Syria in the ۱۹۸۰'s and ۱۹۹۰'s: Political Islam, Muslim Brotherhood and intelligence wars. *Uluslararası İlişkiler Dergisi*, ۱۶(۶۲), ۵-۲۵.
- Öztürk, O. (۲۰۲۰). The Political Economy of Turkey-Iran Relations: Trade, Energy, and Sanctions. *Uluslararası İlişkiler Dergisi* (International Relations Journal), ۱۷(۶۸), ۵۷-۷۴.
- Park, S. (۲۰۲۳). Exploring the factors limiting refugee policy application in Gulf Cooperation Council (GCC) countries: The case of Syrian refugees (Master's thesis).

Sultan Qaboos University, Oman.

- Parlar Dal, E. (۲۰۱۶). Conceptualising and testing the ‘emerging regional power’ of Turkey in the shifting international order. *Third World Quarterly*, ۳۷(۸), ۱۴۲۵-۱۴۵۳.
- Ranjbar, M., & Rezaei, A. (۲۰۲۰). The geopolitical role of Iran and Turkey in the energy security of the Middle East. *Middle East Studies Quarterly* (in Persian)
- Taghizadeh Salari, E., Zakerian Amiri, M., Hermidas Bavand, D., & Barzegar, K. (۲۰۲۲). Syrian crisis: An analysis of political and security strategies of involved actors. *International Journal of Political Science*, ۱۲(۱). (In Persian).
- Torbat, A. E. (۲۰۲۰). Impacts of US sanctions on Iran’s foreign trade with Turkey. *Journal of Economic Structures*, ۹(۱). (highlighting the economic and geopolitical significance of relations under sanctions)
- Tur, Ö. (۲۰۱۶). *Turkey-Syria relations: Between enmity and amity*. Routledge.
- Tur, Ö., & Çelikpala, M. (۲۰۲۱). Turkey and Iran: Preserving a fragile partnership in a shifting geopolitical context. *Perceptions*, ۲۶(۱), ۹-۳۴. (discussing the strategic importance and balance of power)
- Waltz, K. N. (۱۹۷۹). *Theory of International Politics*. Addison-Wesley.
- Winrow, G. M. (۲۰۱۳). Turkey and Iran: Balancing in a changing Middle East. *Turkish Studies*, ۱۴(۳), ۴۱۹-۴۳۶. (considering competition and cooperation in energy and geopolitics)

منابع اینترنتی

- <http://www.mappery.com/Turkey-regions-Map-۲>